

www.ketab.ir

زن
در فقه سیاسی شیعه



سرشناسه: شیرخانی، علی، ۱۳۴۵
عنوان و نام پدیدآور: زن در فقه سیاسی شیعه / تألیف علی شیرخانی.

مشخصات نشر: تهران: علییون، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.

شابک: ۴۷۰۰۰ ریان: ۴-۲-۹۲۸۶۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: زنان در اسلام

موضوع: زنان - فعالیت‌های اجتماعی

موضوع: زنان - فعالیت‌های سیاسی

موضوع: زنان - وضع حقوقی و قوانین (فقه)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ز ۹۶ ش/۱۷۲/ BP۲۲۰

رده‌بندی کنگره: ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۵۲۹۷۱

انتشارات علیون

عنوان: زن در فقه سیاسی شیعه

تألیف: علی شیرخانی

نوبت چاپ: نهم، بهار ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۷۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات علیون

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۶۳-۲-۱

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از پل رومی،

روبروی بانک مسکن، پلاک ۱۹۵۶

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۶۵۳

تلفن: ۲۲۶۸۹۰۲۰

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

email:eliyon@mailfa.org

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۱ مقدمه

فصل اول

۱۹ مفاهیم و کلیات

۲۳ فقه سیاسی

۲۶ فقه حکومتی

۲۸ منابع اجتهاد و استنباط

۳۰ قرآن

۳۰ سنت (روایات)

۳۱ اجماع

۳۴ عقل

۳۶ اصطلاحات فقهی و اصولی

۳۸ عام و خاص

۳۹ مطلق و مقید

۴۱	مجمعل و مبین
۴۱	نص و ظاهر
۴۲	محکم و متشابه
۴۴	محکم تکلیفی و وضعی
۴۵	تبعدی و توصلی
۴۵	عینی و کفایی
۴۶	قیاس
۴۸	اصل عملی
۴۸	مفاهیم منطقی
۴۸	گزاره‌های حملی
۴۹	گزاره‌های شخصیه
۵۰	گزاره‌های شرطی
۵۳	تعیین مراد

فصل دوم

۵۵	هستی‌شناسی زن
۵۷	زن در نگرش عامه
۶۴	پرسش‌هایی درباره‌ی هستی زن
۶۵	احتمالات درباره‌ی خلقت زن
۷۱	روایت زراره درباره‌ی هستی زن
۷۵	انسان محور تزکیه و تعلیم در قرآن

- ۷۹ ذاتی و عرضی انسان
- ۸۴ فلسفه‌ی صیغه‌های مذکر و مؤنث در قرآن
- ۸۶ تعابیر قرآن از جان آدمی
- ۹۵ خلافت انسان در زمین
- ۹۷ آیات مربوط به حضرت آدم (ع)
- ۹۸ خطابات قرآنی خاص آدم

فصل سوم

- ۱۰۹ قرآن و مسئولیت زنان
- ۱۱۳ اصل تکلیف و مسئولیت‌پذیری انسان
- ۱۱۴ تکلیف مشترک امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۲۰ عمومیت آیات جهادی
- ۱۲۳ درجه و برتری مردان بر زنان
- ۱۲۸ قیومت مردان بر زنان
- ۱۲۹ برتری مردان و نظر علامه طباطبایی
- ۱۳۶ نقد نظر علامه
- ۱۴۳ نفی تبرج زنان پیامبر (ص)
- ۱۴۷ بررسی محتوای آیه‌ی تبرج

فصل چهارم

- ۱۵۵ سنت و مسئولیت زنان

- ۱۵۷ اطلاق سنت نبوی و علوی
- ۱۶۱ بیعت ویژه‌ی زنان با پیامبر (ص)
- ۱۶۵ سنن خاص منع سلطه‌ی زنان
- ۱۶۶ مشهوره‌ی ابی‌خدیجه
- ۱۶۸ نقد و بررسی مشهوره‌ی ابی‌خدیجه
- ۱۷۲ عدم حجت لقب در اصول فقه
- ۱۷۳ وصیت نبی به وصی درباره‌ی زنان
- ۱۸۰ روایت عدم دستگیری
- ۱۸۵ نهج‌البلاغه و نقصان زنان
- ۱۹۳ مذمت زنان در نهج‌البلاغه و قضایای شخصیه
- ۱۹۴ کلام امام علی (ع) و ارث زنان
- ۱۹۶ نامه‌ی امام علی به امام حسن درباره‌ی زنان
- ۲۰۳ عدم واگذاری مناصب به زنان از سوی معصومین (ع)
- ۲۰۴ اجماع
- ۲۱۷ اولویت قطعی
- ۲۲۳ ارتکاز قطعی شرعی
- ۲۲۵ نقد ارتکاز شرعی
- ۲۱۸ اصل عملی
- ۲۳۴ اشکال بر نقد اصل عملی
- ۲۳۴ جواب اشکال
- ۲۳۹ نمونه‌هایی از فعالیت زنان در صدر اسلام

۲۴۵ سخن پایانی
۲۴۶ بایسته‌های فعالیت زنان در جامعه
۲۵۰ اهم و مهم در مسئولیت‌های زنان
۲۵۳ کتابنامه
۲۶۱ نمایه

www.ketab.ir

مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین و تکامل یافته ترین دین، در شبه جزیره عربستان ظهور کرد و از زمان بعثت رسول اکرم (ص) تا زمان رحلت ایشان، فرموده های آن حضرت پس از قرآن کریم منبع اصلی تشریح و قانون گذاری بود. مسلمانان فهم خود را از قرآن و از لسان نبی اکرم (ص) دریافت می کردند که بعدها این دو منبع با عنوان «کتاب و سنت» شناخته شدند. شیعه، سنت نبوی و علوی را همزمان منبع اجتهاد و استنباط معرفی می نمایند، چرا که اهل بیت رسول الله (ص) به عنوان بهترین مفسران سنت نبوی محسوب می شوند.

مسلمانان با رحلت پیامبر اسلام (ص)، در مسائل شرعی، اختلاف و تشتت آراء پیدا کردند. با پیدایش چنین اختلافی، ضرورت تعیین ضوابطی برای تشخیص احکام شرع احساس شد و مسلمانان اهل سنت، علاوه بر چهار منبع اصلی - قرآن، سنت، اجماع و عقل - اجتهاد به رأی، قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع و غیره را به عنوان منبع

اجتهاد در کتب خود آورده‌اند.^۱ ولی شیعیان که پس از رحلت پیامبر(ص) از عرصه‌ی حکومت و حکمرانی دور بودند، فقط چهار منبع اصلی را به‌عنوان منابع اصیل اجتهاد و دریافت احکام شرع اختیار کردند.^۲ قرآن کریم یکی از مهم‌ترین منابع اجتهاد و فهم وظایف دینی مسلمانان است. قرآن از منابع مسلم فقهی است که هیچ‌یک از فرقه‌های اسلامی و مکاتب فقهی در منا و منبع بودن آن شک و تردیدی ندارند. کتاب مدنیس قرآن، به اعتراف و اذعان تمام مسلمانان، همان‌گونه که خداوند بر پیامبر(ص) نازل کرده، هم‌اکنون در دسترس آنان است و در همه‌ی دوران اسلامی به‌عنوان غنی‌ترین منبع اجتهاد برای استخراج قوانین شرعی، جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و اجتماعی بشر استفاده شده است. درباره‌ی آیات قرآن کریم، تقسیم‌بندی‌های فراوانی شده است. از جمله‌ی آنها، تقسیم‌بندی‌ها براساس نصوص و ظواهر قرآن است.^۳ مراد از نص و نصوص، عبارت‌های صریح قرآن است. وقتی در قرآن کریم آمده باشد که «اقم الصلاه» دیگر هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که نماز واجب است، اما مراد از ظاهر و ظواهر، آن است که از کلمات، یک معنای ظاهر استنباط می‌شود ولی احتمال معنای دیگر نیز

۱. احمد ریسونی، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ترجمه‌ی حسن الاسلامی، قم: نشر تبیغات

اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۱۳

۲. ملا احمد نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مسائل الحلال والحرام، قم:

مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۰، ص ۴۴۰

۳. سید مرتضی، وسائل الشریف المرتضی، ج ۲، بی‌جا: ۱۴۰۵ دارالقرآن، ص ۲۴۶

وجود دارد. البته حمل بر معنای دیگر نیاز به قرینه دارد. در صورت نبود قرینه، حمل بر معنای ظاهری آن می‌شود. قرآن از این زاویه هم نصوصات دارد و هم ظهورات؛^۱ لذا درباره‌ی استفاده از قرآن در طول تاریخ اسلام افراط و تفریط شده‌است: اسماعیلیه هم به ظاهر تمسک می‌کردند و هم به باطن قرآن، اخباری‌ها معانی قرآن را از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، مطالبه می‌کردند؛^۲ ولی شیعیان امامی اصولی، از طرفداران اجتهادند و معتقدند ظهورات قرآن قابل استناد است و می‌توان احکام را از آنها به دست آورد.^۳

البته پرواضح است که استفاده‌ی بهینه از قرآن و در مرحله‌ی بعد روایات که منبع دوم اجتهاد مسلمانان است، به‌ویژه استفاده در حوزه‌ی احکام مربوط به تقنین و تفسیر، چنان ساده نیست که هرکس بتواند مستقیماً و بدون هیچ‌گونه تفحص و جستجو بدان مراجعه کند؛ لذا علمای شیعه‌ی امامیه، براساس اصول اجتهاد و استنباط، توانسته‌اند از قرآن کریم و روایات استفاده کنند. در این راستا نیز سعی شده است براساس اصول اجتهاد، آیات و روایات مربوط به زنان، مورد بحث و بررسی قرار گیرد و مشخص شود که آیا زنان نیز می‌توانند همانند مردان به فعالیت‌های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی، اجتهادی و مدنی بپردازند؟ زیرا هم‌اکنون و پس از گذشتِ ثلث قرن از انقلاب اسلامی،

۱. امام خمینی، تهذیب‌الاصول، ج ۱، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۰۵، صص ۹۳-۹۴

۲. مصطفی علم‌الدین، الزمن العباسی، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۳م، صص ۲۲۱-۲۱۵

۳. علامه حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۳، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۱

همچنان این پرسش مطرح می‌شود که آیا زنان می‌توانند مسئولیت‌های مدنی و سیاسی از قبیل ریاست، وزارت و غیره را بپذیرند؟ این نوشته سعی دارد که ضمن طرح اصل جواز مشارکت زنان در امور سیاسی، به بررسی آیات و روایات بر مبنای اصول اجتهادی بپردازد.

البته در مسئله‌ی استیلا و حکومت انسان بر انسان، افراد موحد باید تابع قواعد، قوانین و مقررات باشند. در متون دینی و فقهی مان قاعده‌ای بسیار اساسی داریم، با این عبارت که «لا ولایه لأحدی علی أحد؛ هیچ نوع ولایتی برای احدی بر احدی نیست»^۱، لذا اصل بر عدم ولایت است و این قاعده، قاعده‌ای عام است. البته به باور موحدان، مسلمانان و شیعیان این قاعده یک تخصیص دارد که درباره‌ی ولایت خدا، پیامبران و امامان می‌باشد. حال سؤال این است که آیا این تخصیص به اینجا هم می‌رسد که بگوییم مرد بر زن ولایت دارد اگر مرد بر زن ولایت داشته‌باشد، می‌توانیم بگوییم اگر زن رئیس‌جمهور بشود، نقض قاعده‌ی تخصیص ولایت زن بر مرد خواهد بود، اما این گونه طرح موضوع هم مشکل دارد. آیا واقعاً از متون دینی و فقهی این گونه استنباط می‌شود؟ درحالی که در برخی روایت آمده است: «الناس مسلطون علی اموالهم»^۲ آیا تسلط بر اموال فقط برای مردها صادق است؟ «الناس» در زبان عربی به زن و مرد اطلاق می‌شود.

۱. ملا احمد نراقی، پیشین، ص ۵۲۹

۲. المحقق الحلی، الرسائل التسع، قم، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷

مفهوم مخالف روایت این است که: دیگران مسلط بر مال من نیستند، این «من» می‌تواند زن یا مرد باشد و به غیر من کسی بر مال من مسلط نیست.

مفهوم اولویت عبارت فوق نیز این است که: «کسی دیگری» به طریق اولی بر جان و فکر انسان نمی‌تواند مسلط باشد. این «من» ممکن است مذکر یا مؤنث باشد. وقتی انسان در مال هیچ احدالناسی نتواند سلطه ایجاد کند، در جان و فکر دیگری هم، به طریق اولی نمی‌تواند مسلط باشد. اگر این‌گونه باشد، زن به فکر و اندیشه‌ی خودش و مرد هم به فکر و اندیشه و مال خودش مسلط است.

قاعده‌ها در فقه و متون دینی چگونه تخصیص خورده است؟ آیا علما در این نظریات، مبنای روایی صحیح و سالم دارند؟

و در ادامه این سؤال مطرح است که آیا همان‌گونه که یکسانی سلطه بر سرنوشت، برای زن و مرد در روایت وجود دارد، در تجلیات بیرونی هم، این یکسانی موجود است؛ یعنی وقتی زن و مرد در هستی‌شناسی با یکدیگر برابرند، در مسئولیت‌های اجتماعی نیز تبعیضی میان آنان نمی‌باشد. هر نوع فعالیتی که مردان دارند، زنان نیز داشته باشند. چون لازم است بخشی از زندگی اجتماعی با تعامل طرفین انجام شود و هر دو با هم همکاری داشته باشند؛ مثلاً ازدواج، تولد، تناسل، مدیریت خانه و زندگی و... با تشریک مساعی زن و مرد صورت گیرد و اگر یکی از این قسمت‌ها با همکاری و تشریک مساعی صورت نگیرد، زندگی با مشکل روبه‌رو می‌گردد. خاصه در امر خانواده که اگر زنان مشکل ایجاد کنند، به بحران و یا فروپاشی خانواده می‌انجامد.

پس با توجه به موارد فوق، آیا زنها در بیرون هم می‌توانند مسئولیت‌هایی مثل مردها داشته باشند؟ این پرسشی است که باید از منظر فقه سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. بدین معنی که آیا مشارکت و فعالیت زنان در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی از منظر فقه رواست؟ آیا زنان می‌توانند مانند مردها پست‌ها و مناصبی را بگیرند؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، آیا حدودی هم برای این مسئله مشخص شده است؟ مثلاً بگوییم علی‌رغم اینکه این امر رواست، اما زنان تا این مرحله می‌توانند مسئولیت بپذیرند و از این مرحله به بعد و بیشتر از این مرحله نمی‌توانند بیایند! یا بگوییم که اصلاً محدودیتی وجود ندارد و هر آنچه مرد بما هو مرد در آن مسئولیت می‌پذیرد، زن نیز به‌عنوان زن می‌تواند آن مسئولیت را بپذیرد. در نتیجه وقتی بحث حدود مطرح می‌شود، حداقل ما می‌توانیم به برخی از مضامین اشاره کنیم. مثلاً آیا زنان می‌توانند مرجعیت عامه برای شیعیان داشته باشند؟ آیا فقه سیاسی در اینجا حد و حدودی دارد؟

پس از بحث مرجعیت اعلی، در یک نظام سیاسی مانند نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که ساختار سیاسی و اداری دارد، آیا زن می‌تواند رهبر نظام، رئیس‌جمهور، وزیر، نماینده و وکیل بشود؟ آیا اینها حدود دارد یا نه؟

البته در بحث حدود، برخی از عالمان دینی معتقدند که بعضی از این مناصب، اعمال سلطه و حاکمیت است و فتوا می‌دهند که در برخی روایات، اعمال حاکمیت زن منع شده است. برخی از فقها نیز ممکن است بگویند که روایت‌هایی که منع کرده‌اند، سند و ادله‌ی مخدوش

دارند؛ یعنی هم سند و هم دلالت آنها مشکل دارد. پس اصل جواز فعالیت سیاسی و گرفتن مناصب برای زنان در فقه سیاسی مطرح می‌شود؛ مرحله‌ی بعد از جواز بحث می‌شود که آیا حدودی دارد یا خیر.

اگر کسی جواز فعالیت سیاسی و اجتماعی بانوان را نفی کند، دیگر سالبه به انتفاع موضوع خواهد بود؛ مثلاً اگر فقیهی در پاسخ به این پرسش که آیا زنان می‌توانند فعالیت سیاسی انجام بدهند، جواب بدهد که جایز نیست و مخالف شرع مقدس اسلام است، در این صورت بحث تمام می‌شود و دیگر مسئله‌ی درست یا نادرست بودن مطرح نیست؛ اما اگر گفتیم بلی زن می‌تواند فعالیت سیاسی داشته باشد، در این صورت، فروعاً دیگر بحث می‌شود که نوع فعالیت‌ها چگونه است.

برای پاسخ به پرسش‌های بالا، این رشته علاوه بر مقدمه، در چهار فصل، یک نتیجه‌گیری و سخن پایانی، سامان یافته‌است. در فصل اول از مفاهیم و کلیات سخن گفته‌ایم. مفاهیم و کلیات به عنوان مباحث اصولی و بعضاً منطقی، از ابزارهای اساسی یک مجتهد، در استنباط و تفقه، به‌شمار می‌آید، لذا شایسته است که ابتدا با این مفاهیم آشنا شویم، سپس به آیات و روایات به عنوان مهم‌ترین منبع اجتهاد پردازیم.

فصل دوم مربوط به هستی‌شناسی زنان است. برخی‌ها بر این باورند که زنان وجود تبعی دارند، در نتیجه مردان نسبت به آنان ارجح و افضل هستند. این باور درصدد بیان سلطه‌ی مردان بر زنان و عدم سلطه‌ی زنان بر مردان است و منشأ و تلقی هستی‌شناختی دارد..

بررسی آیات قرآن کریم درباره‌ی تکلیف مشترک زن و مرد و سلطه

و یا عدم سلطه‌ی زنان، موضوعات و محورهای فصل سوم را تشکیل می‌دهند.

موضع سنت و سیره‌ی نبوی و علوی در فصل چهارم مورد بحث و مذاکره قرار گرفته‌است. آیا از اقوال، افعال و تقریرات معصومین علیهم‌السلام، می‌توان بر منع حکومت و استیلای زنان، اجتهاد کرد و بر همین مبنا حکم بر حرمت وزارت و صدارت زنان داد. در پایان، نتیجه‌گیری کوتاهی صورت گرفته و بایسته‌ها و اهم فعالیت‌های زنان بیان شده است.

www.ketabon.ir